رساله شریف:

دحو الأرض

حضرت علامه حسن زاده آملی
رضوان الله تعالی علیه

تدوین و تنظیم:
زهرا حبیبی مشکینی



بسم الله الرحمن الرحيم

أمين الاسلام طبرسی در مجمع البيان در تفسير كريمه: وَ لَا اللَّيْلُ سابِقُ النَّهارِ [1] آورده است كه:

روى العياشي في تفسيره بالإسناد عن الأشعث بن حاتم قال: كنت بخراسان حيث اجتمع الرضا- عليه السلام- و الفضل بن سهل و المأمون في الإيوان الحبريّ بمرو فوضعت المائدة، فقال الرضا- عليه السلام-: إن رجلا من بنى اسرائيل سألنى بالمدينة فقال النهار خلق قبل أم الليل؟ فما عندكم؟

قال: و أداروا الكلام فلم يكن عندهم في ذلك شيء فقال الفضل للرضا- عليه السلام-: أخبرنا بها- أصلحك الله- قال: نعم من القرآن أم من الحساب؟ قال له الفضل: من جهة الحساب.

فقال: قد علمت يا فضل ان طالع الدنيا السرطان، و الكواكب في مواضع شرفها: فزحل في الميزان، و المشتري في سرطان، و الشمس في الحمل، و القمر في الثور، فذلك يدلّ على كينونة الشمس في الحمل في العاشر من الطالع فى وسط السماء فالنهار خلق قبل الليل.

حديث شريف مطابق قوانين هيوى در كمال إتقان و إحكام و نهايت درستى و استوارى است.

بدان كه مراد از دنيا در عبارت آن حضرت: «ان طالع الدنيا السرطان» وقت پديد آمدن خشكى زمين در قبّة الأرض از زير آب است كه آن را يوم دحو الأرض گويند.

---

(١)- سوره يس (٣٦): ٤١.

و دیگر این که مراد از ارض کره زمین نیست بلکه سطح خشکی است که برجسته و از آب بیرون آمده و به تدریج پهن و گسترده شده است؛ این ارض به معنی ارض قرآنی است، با کره ارض که در کتب هیئت بحث می‌شود اشتباه نشود به تفصیلی که در درس ۵۲ دروس هیئت و دیگر رشته های ریاضی بیان کرده ایم.

قوله سبحانه: ***وَ الْأَرْضَ بَعْدَ ذٰلِكَ دَحاها*** [۱]. دحو گستردن است. جوهری در صحاح گوید: «دحوت الشيء بسطته. قال تعالى: ***وَ الْأَرْضَ بَعْدَ ذٰلِكَ دَحاها*** - أى بسطها-».

یعنی گسترد زمین را.

طریحی در مجمع البحرین گوید:

الدّحو في كلام اهل الله و التفسير: البسط و التمهيد للسكنى. قوله تعالى. وَ الْأَرْضَ بَعْدَ ذٰلِكَ دَحاها- أى بسطها من دحوت الشيء دحوا بسطته-. و في الحديث: يوم دحو الأرض، أى بسطها من تحت الكعبة، و هو اليوم الخامس و العشرون من ذى القعدة.

و روى الصدوق باسناده عن الحسن بن راشد قال: كنت مع ابي و أنا غلام فتعشّينا عند الرضا- عليه السلام- ليلة خمس و عشرين من ذى القعدة، فقال له:

ليلة خمس و عشرين من ذى القعدة ولد فيها ابراهيم- عليه السلام- و ولد فيها عيسى بن مريم- عليهما السلام- و فيها دحيت الأرض من تحت الكعبة، فمن صام ذلك اليوم كان كمن صام ستين شهرا.

---

(۱)- سوره نازعات (۷۹): ۳۱.

سید بن طاوس در اعمال ذی القعده از کتاب اقبال در دحوالأرض و فضیلت آن و دعای مبسوط اللهم داحی الکعبة و فالق الحبّة ... در چند فصل مطالبی شریف بدین عنوان ذکر کرده است:

«فصل فی ما یتعلق بدحو الأرض و انشاء اصل البلاد و ابتداء مساکن البلاد ...» [1]

جناب استاد علامه شعرانی در بیان مفاد آیت یاد شده و اخباری که در موضوع یوم دحوالأرض روایت شده‌اند که زمین از زیر خانه کعبه گسترده شده است، فرموده است:

کره زمین را از دو جانب قطب اندکی تطامن است- یعنی اندکی مسطّح است و فرو رفتگی دارد- و آفاق استوائی و قریب بدانها را چون مکّه مکرّمه تقبّب است

- یعنی برآمدگی دارند.- و آب همه کره زمین را فرا گرفته بود، و چون فرو نشست قهرا جای برآمده زمین که قبّه آنست و تقبّب آن بیش از جاهای دیگر است در نخستین بار نمودار شده است، و آن مکّه مکرّمه است. و چون آب کم‌کم فرو نشست و تقلیل یافت قسمت پدید آمده زمین به تدریج گسترش یافت که از آن تعبیر به دحوالارض شده است.

این حاصل فرموده آن جناب در جلسه درس بوده است که از محضر ارفع و انور او استفاده کرده‌ایم و اینچنین نگاشته‌ایم. و همین معنی را در کتاب گرانقدرش به نام نثر طوبی در لغت «دحو» به قلم مبارکش چنین تحریر فرموده است:

دحو: گستردن. و الأرض بعد ذلك دحيها، زمین را پس از آن بگسترد. چنان که در لغت ارض

---

(۱)- «إقبال» ص ۳۱۰- ۳۱۴، رحلی، چاپ سنگی.

گذشت مراد از آن کره زمین نیست بلکه سطح خشکی است مقابل دریا و کوه، کوه و آب از زمین نیستند. و به مقتضای این آیه خشکی زمین که ربع مسکون می‌نامند پس از خلقت اوّلین پدید آمد، چون سطح کره خاك را آب از همه جانب فرا گرفته بود، و این خشکی که برجسته و از آب بیرون آمده مانند جزیره است که از قعر دریا بر جهد و بالا آید و به تدریج پهن و گسترده و بزرگ شود، طبیعیان امروز هم گویند آب به همه زمین احاطه داشت و خشکی به عللی از قعر آب برآمد و بر سطح زمین چینها و شکنجها هویدا شد.

راقم گوید: از معرفت به معنای دحوالارض دانسته می‌شود که این کلام کامل دحو از غرر معجزات قولی حضرت خاتم- صلّی اللّه علیه و آله و سلّم- است. و نیز بنابر دحو باید قبة الارض، به معنی برآمده‌ترین جای ارض، مکّه مکرمه بوده باشد که عرض جغرافیائی آن ٢١ درجه و ٢٥ دقیقه شمالی است؛ و طول آن از ساحل بحر محیط غربی چنان که در قانون ابو ریحان بیرونی آمده است ٦٧ درجه است؛ و از جزائر خالدات- اعنی از جزیره فر- در حدود ٧٩ درجه است.

بدان که درسهای ٤٧ تا ٥٠ کتاب ما دروس هیئت و دیگر رشته‌های ریاضی در بیان قبة الارض و دحو الارض بسیار مطلوبند، و مسائلی ریاضی و جغرافیائی و تفسیری و روائی بسیار مفید را حائزند. و طالع و عاشر و شرف کواکب که در حدیث حضرت امام رضا- علیه السلام- یاد شده‌اند در درس ٢٤ کتاب مذکور بیان شده‌اند. و جناب استادم علامه شعرانی- رضوان اللّه علیه- را در تعلیقات مجمع البیان در بیان آن تعلیقه‌ایست که به نقل آن تبرک می‌جوییم:

نقل الجصّاص عن بعضهم الاستدلال على أن النهار اسبق بأن النهار و الليل لا يجتمعان فالأمر دائر بين تقديم النهار او الليل، و الآية تدل على أن الليل لا يقدر أن يتقدم على النهار فالنهار مقدم.

و أمّا حديث العياشى فمن اضبط ما روى في النجوم، و كأنّ الرواة كانوا من علماء النجوم حيث لم يتصرفوا فيه، و قلّما يوجد مثله في مثل هذه الأحاديث لأن غير العارف غالبا يغيّر المحكي بما يخرجه عن المقصود. و البيت العاشر حمل اذا كان الطالع سرطان، و لابد فى كل وقت فرض وجود الشمس فيه أن تكون على نصف النهار فى موضع من المواضع فقبل الشمس لاليل و لانهار، و اما بعد وجودها فالنهار موجود في موضع و الليل فى موضع، و يلزم من ذلك وجود الليل و النهار معا كل في طرف من الارض. لكن اهل الاحكام كانوا يعتقدون أن الطالع في قبة الارض السرطان فيكون النهار في هذا النصف- اعنى من جزائر الخالدات الى شرق الصين و هو البر القديم- مقدما على الليل، و مع ذلك ففى الأحكام الشرعية لا يبتدئ الزمان من نصف النهار كما هو عادة المنجّمين، بل من غروب الشمس لأن ابتداء الزمان من رؤية الهلال، و الهلال يرى عند الغروب، و الليل من الشهر الآتى.

و الظاهر أن الإمام- عليه السلام- تكلّم معهم بمسلّماتهم على طريقة اصحاب الجدل.

غرض عمده ما در اين كلمه اين است كه مراد از دنيا كه طالع آن و شرف كواكب در آغاز پيدايش آن در حديث امام رضا- عليه السلام- بيان شده است، زمان ظهور قبه زمين از زير آب است كه دحو به معنى بسط زمين و تمهيد آن براى سكنى است فافهم.

در درس ١٦ كتاب ما دروس معرفة الوقت و القبلة در تطامن قطبين كره زمين و تقبّب آفاق استوائى بحث شده است لذا- اعنى بر اثر فرونشستگى حدود قطبين زمين و برآمدگى حدود دائره استوائى آن- نصف قطر استوائى زمين قريب به بيست و يك كيلومتر بيش از نصف قطر قطبى آنست.

به مبانى رياضى اثبات مى شود، الان منطقة البروج به سوى معدل النهار در حركت است و وقتى كه اين دو با هم يكى شدند يعنى در سطح هم قرار گرفتند دورى از ادوار كره تمام مى

شود و آب همه جای زمین را فرا می گیرد. بعد از انفراج آن دو از یکدیگر دحو الارض دیگری پیش می آید و آب فرو می نشیند و باز خلقت آدمی دیگر و حوایی دیگر و نسلی دیگر و خلاصه دوری دیگر آغاز می شود».

دحو: گستردن است. جوهری در صحاح گوید:

دحوت الشی ء بسطته، قال تعالی: والارض بعد ذلك دحاها أی بسطها. یعنی گسترد زمین را. و طریحی در مجمع البحرین گوید: الدحو فی کلام اهل اللغة و التفسیر البسط والتمهید للسکنی. قوله تعالی والارض بعد ذلك دحاها ای بسطها من دحوت الشی دحوا بسطته. و فی الحدیث یوم دحو الارض ای بسطها من تحت الکعبة و هو الیوم الخامس و العشرون من ذی القعدة.

در صوم حدائق در اقسام صومهای مستحب آمده است که:

و منها صوم یوم دحول الارض و هو الیوم الخامس والعشرون من ذی القعده. و یدل علیه ما رواه الصدوق باسناده عن الحسن بن راشد قال: کنت مع ابی و انا غلام فتعشینا عند الرضا علیه السلام لیلة خمس و عشرین من ذی القعدة، فقال له لیلة خمس و عشرین من ذی القعدة ولد فیها ابراهیم علیه السلام، و ولد فیها عیسی بن مریم علیهما السلام، و فیها دحیت الارض من تحت الکعبة فمن صام ذلك الیوم کان کمن صام ستین شهرا. الی غیر ذلك من الاخبار. (ص ۱۹۰ ط ۱ ج ۵)

همچنین سید بن طاوس در اعمال ذی القعده از کتاب اقبال در دحول الارض و فضیلت آن و دعای مبسوط اللهم داحی الکعبه وفالق الحبة الخ در چند فصل مطالبی شریف بدین عنوان ذکر فرموده است:

فصل فیما یتعلق بدحوالارض و انشاء اصل البلاد و ابتداء مساکن البلاد. (ص ۳۱۰ ـ ۳۱٤ ط رحلی)

غرض از عنوان تبصره این است که جناب استاد علامه ذوالفنون آیة الله شعرانی قدس سره الشریف در بیان مفاد آیت یاد شده، و اخباری که در موضوع یوم دحوالارض روایت شده اند که زمین از زیر خانه کعبه گسترده شده است، فرموده است که: کره زمین را از دو جانب قطب اندکی تطامن است یعنی اندکی مسطح است و فرو رفتگی دارد و آفاق استوائی و قریب بدانها را چون مکه مکرمه تقبب است یعنی برآمدگی دارند. و آب همه کره زمین را فرا گرفته بود و چون فرو نشست قهرا جای برآمده زمین که قبه آنست و تقبب آن بیش از جاهای دیگر است در نخستین بار نمودار شده است و آن مکه مکرمه است و چون آب کم کم فرو نشست و تقلیل یافت قسمت پدید آمده زمین به تدریج گسترش یافت که از آن تعبیر به دحوالارض شده است. این حاصل فرموده آن جناب در جلسه درس بوده است که از محضر ارفع و انور او استفاده کردیم و اینچنین نگاشته ایم. و همین معنی را در کتاب گرانقدرش به نام نثر طوبی در لغت دحو به قلم مبارکش چنین تحریر فرموده است:

«دحو: گستردن. و الارض بعد ذلك دحیها، زمین را پس از آن بگسترد. چنان که در لغت ارض گذشت مراد از آن کره زمین نیست بلکه سطح خشکی است مقابل دریا و کوه، کوه و آب از زمین نیستند و به مقتضای این آیه خشکی زمین که ربع مسکون می نامند پس از خلقت اولین پدیده آمد چون سطح کره خاك را آب از همه جانب فراگرفته بود و این خشکی که برجسته و از آب بیرون آمده مانند جزیره است که از قعر دریا بر جهد و بالا آید و به تدریج پهن و گسترده و بزرگ شود. طبیعیان امروز هم گویند آب به همه زمین احاطه داشت و خشکی به عللی از قعر آب برآمد و بر سطح زمین چین ها و شکنج ها هویدا شد».

از معرفت به معنای دحوالارض دانسته می شود که این کلام کامل دحول از غرر معجزات قولی حضرت خاتم صلی الله علیه و آله و سلم است. و نیز بنابر دحول باید قبه به معنی برآمده ترین جای ارض مکه مکرّمه بوده باشد که عرض آن ۲۱ درجه و ۲۵ دقیقه شمالی است. و طول آن از ساحل بحر محیط غربی چنانکه در قانون بیرونی آمده است ٦٧ درجه است، و از جزائر خالدات اعنی از جزیره فر در حدود ۷۹ درجه است.

از قوز زمین که قبله اش بود گذشتیم — بس قوز دگر هست که چیزی ننوشتیم

گویند به هر قور بود قصر بهشتی — یعنی که همیشه من و تو اهل بهشتیم

گردآوری و تنظیم:

زهرا حبیبی مشکینی

خردادماه ۱۴۰۱ هجری شمسی